

بررسی مشکلات جوانان (بحران بلوغ)

یکی از بحرانی ترین دوره های زندگی هر فرد، دوره بلوغ است. بلوغ مرحله ای از رشد است که برای همه نوجوانان، اعم از پسر و دختر، خواه ناخواه حاصل می شود. تعابیر مختلف دین پژوهان و روان شناسان از این دوره، حاکی از اهمیت و حساسیتی است که آن ها برای پدیده بلوغ قائل اند

بررسی مشکلات جوانان (بحران بلوغ)

نویسنده: محمد سبحانی نیا

یکی از بحرانی ترین دوره های زندگی هر فرد، دوره بلوغ است. بلوغ مرحله ای از رشد است که برای همه نوجوانان، اعم از پسر و دختر، خواه ناخواه حاصل می شود. تعابیر مختلف دین پژوهان و روان شناسان از این دوره، حاکی از اهمیت و حساسیتی است که آن ها برای پدیده بلوغ قائل اند. در این جا نظرات بعضی روان شناسان را درباره این پدیده می آوریم: (سمیلرز نوجوانی را دوران عدم انطباق، و سکولیانکورز آن را تب عقل، وس گوتنر آن را گره کور بین کودکی و پیری، سشیلدرز آن را موجی خروشان در اقیانوس زندگی، س استانلی هالز آن را تولد دوباره، سهاروکسز آن را دوره کشف هویت، سوبلونز آن را دوره جهل و غفلت و بالاخره سکروز نوجوان را دیوانه قابل معالجه خوانده اند.)¹

(ژان ژاک روسو، بلوغ را ولادت دوم می خواند.)² (گویی نوجوان در آستانه ورود به دوره بلوغ با جهانی نو آشنا می شود و دیگر باره متولد می گردد و افق های جدیدی در برابر دیدگانش گشوده می شود. تحول و تغییر و عدم ثبات در رفتار در این دوره به حدی است که بعضی آن را زندگی تشنج آمیز و دوران منفی نامیده اند.)³ (اوریس دولومر، بلوغ را يك نقطه عطف در زندگی می شناسد نه يك مرحله تکاملی.)⁴ بلوغ در زبان فارسی به معنای رسیدن و به حد رشد رسیدن است.⁵

انواع بلوغ

هرچند از واژه بلوغ غالباً بلوغ جنسی تداعی می شود، ولی با توجه به موارد استعمال، می توان به انواع بلوغ اشاره کرد که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

1. بلوغ شرعی:

بلوغ شرعی همان سن تکلیف دینی است که برای دختران پایان 9 سال قمری و برای پسران پایان 15 سال قمری است.

2. بلوغ جسمی:

فیزیولوژیست ها معتقدند: ارگانیزم بدنی انسان تا 5 سال اول زندگی به سرعت رشد می کند و پس از آن تا آغاز دوره نوجوانی و بلوغ، رشد آن به کندی می گراید و سپس در دوره نوجوانی، سرعت دوباره خود را باز می یابد و در سن خاصی به حد کمال خود می رسد.

3. بلوغ جنسی:

بلوغ جنسی به معنای رسیدن به سن تولید مثل است که با ازدیاد هورمون ها آغاز می شود. در این شرایط، غدد جنسی از خواب بیدار می شود و تمایل جنسی را به وجود می آورد.

4. بلوغ اجتماعی:

بلوغ عرفی یا اجتماعی، بلوغی است که در آن دختر و پسر مسئول رفتار خود می شوند و به آن سن قانونی نیز می گویند. قانون گذاران برای افراد، سنین گوناگونی را در اجرای انواع مقررات و بهره مندی آنان از حقوق مدنی در نظر گرفته اند؛ مثلاً براساس قوانین موجود در ایران برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، ورود اشخاص به سن شانزده سالگی الزامی است و برای استخدام دولتی و یا اخذ گواهی نامه، هجده سال تمام منظور شده است.

5. بلوغ روانی:

بلوغ روانی، بلوغ ناشی از رشد روان است که دارای جنبه های مختلفی از قبیل: پختگی، هوش و درک مفاهیم اخلاقی می باشد.

6. بلوغ شخصیتی:

بلوغ شخصیتی در شرایطی حاصل می شود که شخص بتواند مستقلاً تصمیم بگیرد و عمل نماید و بتواند اراده اش را اعمال کند و متکی به خود باشد.

7. بلوغ عقلی:

قرآن مجید از بلوغ عقلی به نام (رشد) یاد کرده و استقلال اقتصادی و آزادی مالی برای یتیمان را مشروط به بلوغ جنسی و رشد عقلی می داند.⁶

سن بلوغ

(برای آغاز بلوغ طبیعی، سن معینی وجود ندارد و در محیط های مختلف، متفاوت است. عوامل متعددی از قبیل: عوامل محیطی، فرهنگی، موروثی و اجتماعی و تغذیه ای در پیدایش بلوغ مؤثر است، ولی ظهور آن در اکثر دختران حدود 11 سالگی است.)⁷

یکی از نویسندگان می گوید: (از نظر پژوهش گران، اگرچه يك اتفاق نظر در مورد شروع و پایان سن بلوغ وجود ندارد، اما بیشتر محققین بر این عقیده اند که سن شروع بلوغ طبیعی در دخترها 9.16 سالگی و در پسرها 10.17 سالگی است و در مجموع، اصطلاح بلوغ به دوره بین 12.18 سالگی اطلاق می گردد و سن متوسط بلوغ، بدون توجه به پسر یا دختر بودن، 11 سالگی اطلاق می گردد. ولی به طور مسلم دختران زودتر از پسران مرحله بلوغ زندگی خویش را آغاز می کنند و زودتر نیز این مرحله را به پایان می رسانند.)⁸

تقدم بلوغ شرعی دختران بر پسران

این سؤال همواره در ذهن دختران مطرح است که چرا زودتر از پسران، مکلف می شوند و بالغ شرعی محسوب می گردند؟

در پاسخ باید گفت: اولاً، بلوغ شرعی براساس بلوغ طبیعی است. در همه مناطق جهان با در نظر گرفتن شرایط طبیعی و اجتماعی، دختران زودتر به بلوغ طبیعی می رسند و فعالیت غدد جنسی در آنان قبل از پسران آغاز می گردد. (بنابراین تقدم بلوغ شرعی دختران بر پسران براساس صلاحیت طبیعی و به معنای هم آهنگی قوانین تشریح با مقررات تکوین است.)⁹ بیدار شدن غریزه جنسی در دختران زمینه مساعدی برای آلوده شدن به گناه و ناپاکی است و خداوند حکیم برای پیش گیری از مفاسد، آنان را قبل از پسران به وسیله مقررات دینی کنترل می کند.

ثانیاً، اندیشه و عقل دختران زودتر از پسران شکفته می شود و دلایل آن است که دختران قبل از پسران زبان می گشایند و زودتر از آنان آغاز سخن می کنند و با توجه به رابطه غیر قابل انکاری که بین اندیشه و سخن گفتن وجود دارد، این نتیجه به دست می آید که دستگاه فکر دختران زودتر از پسران به کار می افتد.¹⁰ شکوفا شدن عقل و هوش در دختران باعث شده است قانون گذار آنان را قبل از پسران مکلف کند تا از طریق عمل به تکالیف الهی به رشد معنوی نایل گردند و از طرف دیگر در جامعه از استقلال قانونی و حقوق اجتماعی برخوردار شوند.

بلوغ زودرس و دیررس

(بلوغ زودرس، پدیده ای فیزیولوژیک است که در هر جنس پسر و دختر دیده می شود. همان گونه که از نام آن برمی آید، در این حالت فرد زودتر از هم سالان خود علائم و آثار بلوغ را ظاهر می سازد.)¹¹

(بلوغ دیررس نیز در هر دو جنس پسر و دختر دیده می شود و شیوع آن در پسرها بیش از دختران است. به طور کلی می توان اظهار داشت هرگاه تا سن 17سالگی آثار و نشانه های بلوغ در فرد ظاهر نشود، وی دچار بلوغ دیررس شده است.)¹² علل مختلفی در تسریع یا تأخیر بلوغ مطرح شده است. یکی از صاحب نظران می گوید: (نژاد، تغذیه و عوامل فیزیکی و روانی موجود در محیط زندگی، در زمان ظهور بلوغ و میزان ترشح هورمون های مربوطه اثر می گذارد؛ مثلاً ویتامین E را از جمله عوامل تغذیه ای مؤثر به شمار می روند. وضع نامساعد اخلاقی در اجتماعات بی بند و بار نیز باعث بلوغ زودرس در آن جوامع می شود.)¹³

درباره اثر آب و هوا در بلوغ، برخی نظر مخالف دارند و می گویند: (بلوغ بیش از آن که به آب و هوا بستگی داشته باشد، به طرز تغذیه و بهداشت و شرایط اجتماعی وابسته است. معمولاً آب و هوای معتدل بیش از هوای گرمسیر و سردسیر بلوغ را تسریع می کند.)¹⁴ هر کدام از بلوغ زودرس و دیررس، عوارضی بر فرد بالغ دارد، که می توان به احساس حقارت در بلوغ دیررس و اضطراب و نگرانی در بلوغ زودرس اشاره کرد، ولی در حال حاضر این معضل را از طریق تجویز دارو و روان درمانی، کنترل و از عوارض آن جلوگیری می کنند. بنابراین کسانی که به بلوغ زودرس یا بلوغ دیررس مبتلا هستند، نباید از این وضعیت نگران باشند.

البته در زودرسی بلوغ، بالغ باید به وظیفه شرعی خود عمل کند؛ مثلاً پسری که قبل از پانزده سالگی بالغ شده است، باید نماز و روزه و تکالیف دینی را انجام دهد و منتظر فرارسیدن سن مقرر نباشد.

نشانه های بلوغ

بلوغ با دگرگونی های فیزیولوژی در بدن همراه است. (به نظر زیست شناسان، منشأ طبیعی بلوغ، ترشح هورمون های جنسی به ضمیمه فعالیت های منظم بعضی دیگر از غدد داخلی است.)¹⁵

(مهم ترین دگرگونی های بدنی دوره نوجوانی، ظهور ویژگی های نخستین و ویژگی های ثانویه است. منظور از ویژگی های نخستین، شکل دادن به آلت های تناسلی و توانایی در امر تولید مثل است، اما ویژگی های ثانوی عبارت است از: رویداد ریش و سبیل و دو رگه شدن صدا در پسران و بزرگ شدن سینه و لگن در دختران. پس از عادت ماهانه در دختران و انزال در پسران، قابلیت تولید مثل ایجاد می گردد.)¹⁶ نظر مشهور فقهای عالی قدر شیعه آن است که بلوغ به یکی از سه چیز محقق می شود: 1. رویداد موی درشت زیر شکم؛ 2. احتلام؛ 3. تمام شدن پانزده سال قمری در مرد و تمام شدن نه سال قمری در زن.¹⁷

البته نشانه های بلوغ در پسر و دختر، یکی از سه علامتی است که ذکر شد و ضرورت ندارد که هر سه با هم محقق شود. میزان در سن، سال قمری است نه شمسی. پس طبق سال شمسی و با توجه به سال های کیبسه، پسران با تمام شدن حدود چهارده سال و شش ماه و یازده روز و دختران با تمام شدن حدود هشت سال و هشت ماه و هجده روز بالغ می شوند.

در آستانه بلوغ، رشد عمومی بدن دچار تغییرات و دگرگونی هایی می شود. (یکی از مهم ترین تحولات انقلابی دوران بلوغ، رشد سریع استخوان ها و عضلات و کلیه اعضای داخلی بدن است. رشد دوران بلوغ به قدری سریع و شدید است که بعضی از دانشمندان، رشد و نمو دوران بلوغ را به جهش تعبیر کرده اند.)¹⁸ با این تغییرات نوجوان بالغ با بحران هایی مواجه می شود.

بلوغ و بحران بیولوژیکی

تغییرات ظاهری در دوران بلوغ، جوان را با بحران بیولوژیکی مواجه می کند. (تغییرات بیولوژیکی در دختران در سنین 9 تا 12سالگی و در پسران از 11 تا 13سالگی بروز می کند. طی این دوره، 20 تا 25 سانتی متر بر قد و 20 تا 25 کیلوگرم بر وزن نوجوان اضافه می شود. رفته رفته خصوصیات ثانویه جنسی از قبیل: رویش موی صورت و تغییر صدا در پسران و عادت ماهیانه در دختران بروز می کند.)¹⁹

(پیدایش دانه های سیاه رنگ بر روی پوست مخصوصاً در اطراف بینی، روی چانه یا روی شانه ها، پسرها را سخت مضطرب می سازد. تغییر صدا که برحسب آب و هوا و نژادهای مختلف زودتر یا دیرتر ظهور می نماید، یک اثر عمومی است که در همه پیدا خواهد شد. تارهای صوتی از لحاظ طول دو برابر می شوند. صدا که تا آن هنگام زیر بود، در مدت چند ماه طنین مخصوصی پیدا کرده و به اصطلاح دو رگه می شود و بسیار نامطبوع می گردد. بعد از آن در مدت چند هفته از شدت آن کاسته می شود و به تدریج حالت صدای اشخاص بالغ را پیدا می کند و در 17سالگی آخرین تغییرات صوتی نیز از بین می روند.

صدای زن نیز تغییر می کند، اما کمتر محسوس است. آهنگ آن که بلیغ تر و رساتر می شود، در حدود 15سالگی وضع ثابتی به خود می گیرد.)²⁰ با بحران بلوغ، کشش جنسی آغاز می شود و نوجوان به موضوعات جنسی حساس می گردد. غالباً نوجوانان از این تغییرات ناآگاهند و گاهی دچار وحشت و اضطراب می شوند. (دبس، جهالت و شتاب زدگی را دو خطر بزرگ در این مرحله از رشد آدمی می داند.)²¹

(البته تغییرات بلوغ در همه افراد یک سان نیست. تغییرات بدنی همراه با بلوغ ممکن است در برخی از نوجوانان در اوایل بلوغ روی دهد و در برخی به تأخیر بیفتد. حتی در برخی از پسران، سینه ها رشد می کند یا نشیمن گاه پهن می شود. این ها دلالت بر داشتن اندام زنانه نیست و نباید نوجوان و دیگران را نگران این امر کند. هم

چنین در دختران ممکن است سینه‌ها کمی دیرتر رشد کند و نباید این امر آنان را نگران کند، زیرا تغییرات بلوغ گاهی به تأخیر می‌افتد. (22)

راه‌های غلبه بر بحران

برای عبور از این بحران، نوجوانان و والدین آن‌ها وظایفی دارند. وظیفه والدین کمک به نوجوانان و راهنمایی آنان از طریق ارائه اطلاعات صحیح و جامع درباره تحولات دوره بلوغ است. هرگونه سهل‌انگاری می‌تواند نوجوانان را به اطلاعات ناقص و نادرست سوق داده و در نهایت آن‌ها را با مشکلات جسمی و روانی مواجه کند.

یکی از روان‌شناسان به نام دیس، عقیده دارد که مادر باید دختر خود را از عادت ماهانگی مطلع سازد. (23)

نوجوان پسر باید بداند گاهی در خواب حالتی خاص به وی دست می‌دهد و هم‌زمان با آن، منی از او خارج می‌گردد و معمولاً بلافاصله بیدار می‌شود. او نباید از این واقعه نگران باشد. این قوی‌ترین میل غریزی است که خداوند تعالی در نهاد انسان قرار داده است تا پشتوانه بقای نسل و نویدی برای پدر شدن باشد. این حالت را که احتلام می‌گویند، برای جوان وظیفه‌ای را ایجاد می‌کند که همان غسل جنابت است که احکام آن در رساله‌های عملیه آمده است. شدت این میل در پسران بیشتر از دختران است. از این رو آسیب‌پذیری آن‌ها نیز بیشتر است.

اگر این میل در نوجوانی به هیجان‌آید، عواقب شومی به دنبال دارد. مؤثرترین روش برای کنترل و مهار غریزه جنسی، پرورش و تقویت روحیه دینی و پس از آن، اجتناب از نگاه شهوت‌آمیز و اسباب تحریک‌کننده مانند: فیلم و عکس‌های مبتذل و پرهیز از دوستان فاسد و روی آوردن به سرگرمی‌های سالم است.

البته به همان اندازه که در این دوره، جوان در معرض هجوم وسوسه‌های شیطانی و طوفان غریزه جنسی قرار می‌گیرد و با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شود، پاک ماندن جوان در این مرحله و ایستادگی در برابر تمایلات درونی، ارزشمند و قابل‌تقدیر است.

رسول خدا(ص) می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بِيَاهِي بِالشَّاتِّبِ الْعَابِدِ الْمَلَانِكَةِ يَقُولُ: انظروا الی عبدی ترک شهوته من أجلي؛ 24) خدای تعالی به وجود جوان پرهیزکار بر فرشتگان مباحث می‌کند و می‌فرماید: ای فرشتگان به بنده جوان من بنگرید که شهوت‌های جوانی خود را برای من رها کرده است.

در روایتی دیگر، آن حضرت فرمود: خدای تعالی می‌فرماید: ای جوانی که شهوت‌های خود را در راه من ترک گفته و جوانی ات را در این راه از دست داده‌ای، تو در پیشگاه من همانند بعضی از فرشتگانم می‌باشی. (25)

در جوانی پاک بودن شیوه پیغمبری است ورنه هر گبری به پیری می‌شود پرهیزگار

بلوغ و بحران عاطفی

مهم‌ترین تحول دوران بلوغ بعد از ظهور صفات ثانویه جنسی، تحولات عمیق عاطفی است. مسئله مهم، یافتن هویت خود است. (نوجوان با در نظر گرفتن تجربیات گذشته و قبول تحولات بلوغ می‌خواهد هویت خویش را از نو بازسازی کند. حتی مخالفت و ستیز نوجوانان با والدین خود و عصیان آنان در برابر ارزش‌ها و دخالت‌های

دیگران برای تثبیت هویت و جدا نمودن هویت خویش از سایرین است. (26)

این بحران باعث شده است که طوفانی در درون نوجوان ایجاد شود و با انواع تردیدها، سردرگمی‌ها روبه‌رو گردد. عواطف او ثابت نیست، زود خوشحال می‌شود و به سرعت در غم و اندوه فرو می‌رود. همین تغییر حالات او را خسته و رنجور می‌کند و به واکنش تند و ناسازگاری سوق می‌دهد.

نوجوانان درد دل‌های زیادی دارند؛ می‌گویند: کسی ما را به حساب نمی‌آورد، ما را درک نمی‌کند. از سوی دیگر والدین نیز از نوجوان خود شکایت دارند، که او به کلی عوض شده است. همیشه با برادر و خواهر کوچک‌ترش مشکل دارد و پرخاش‌گر و خیره‌سر شده است.

(به والدین باید توصیه کرد که سعی کنند نوجوانان را در این دوره بحرانی درک کنند و سرکشی‌ها و مخالفت‌های نوجوانان در این دوره را به صورت علائم رشد و از خصوصیات دوره نوجوانی تعبیر کنند و آن را مقدمه قطعی یک واقعه نگران‌کننده که آینده نوجوان را تهدید می‌کند، ندانند. برخورد صحیح آنان به نوجوان کمک خواهد کرد تا از این برهه پرتلاطم و آشوب بگذرد. (27)

(جوانان در سن بلوغ، خود شیفته هستند. آن‌ها نسبت به عکس‌العمل خود در آینده وسواس به خرج می‌دهند و گاهی ساعت‌ها خود را در آینه نگاه می‌کنند. این عمل ناشی از خودآگاهی شدید آنان است. (28)

انگیزه استقلال‌طلبی در این مرحله بروز می‌کند. جوان از یک طرف از نظر اقتصادی وابسته به والدین است و از طرفی می‌خواهد مستقل عمل کند. (می‌گویند: انسان در سه مرحله به استقلال می‌رسد: مرحله اول، هنگام به دنیا آمدن و مرحله دوم، هنگام از شیر گرفتن کودک است و مرحله سوم، دوران بلوغ است. موریس دیس،

روان‌شناسی معروف فرانسوی این دوره را فطام یا از شیر گرفتن روانی نام نهاده است. (29)

یکی از روان‌شناسان به نام (لوین) گفته است: (نوجوان در دوره‌ای زندگی می‌کند که می‌توان آن را دوره بی‌سر و سامانی روانی نامید، زیرا او نه کودک است و نه کاملاً بزرگ سال شده است. بحران بلوغ، نوجوان را در یک وضعیت مبهم و پیچیده‌ای قرار می‌دهد که نمی‌داند چه کاری بکند. همین عدم اطمینان نسبت به نقش خود، موجب مشکلات زیادی برای نوجوان می‌شود و او را زودرنج و دو دل و بی‌ثبات می‌سازد. (30)

البته نباید فراموش کرد که این امر در آن‌ها چندان با دوام و ریشه‌دار نیست. به تدریج عواطف و احساسات و خواسته‌هایشان جهت می‌گیرد. برخورد سالم والدین و مربیان با این بحران می‌تواند تا حد زیادی در فروکش کردن آن دخیل باشد.

یکی از حالات روانی و عاطفی نوجوان، پرخاشگری است، چون به کمک این مکانیسم، او خاطرات تلخ گذشته و ضعف و حقارت خویش را پنهان و از این طریق اطرافیان را متوجه قدرت و بزرگی خود می‌کند. از طرفی، حساسیت‌ها و هیجان‌ها با تغییرات و تحولات غدد داخلی، میزان ترشحات هورمون‌ها رابطه مستقیم دارد. فعالیت‌های بدنی، ورزش و تفریح و انجام تکالیف دینی و عبادات، تأثیر فراوانی در حفظ تعادل عاطفی و کنترل خشم نوجوانان دارد.

هارلوك، یکی از روان‌شناسان، حالات هیجانی و عاطفی نوجوانان را به خصوص در اوایل و اواسط بلوغ، دارای پنج مشخصه می‌داند: (شدت، فقدان کنترل، عدم ثبات و یا تغییر ناگهانی از حالت شغف به حالت ناامیدی، افسردگی، اخلاق متغیر و پیدا شدن احساسات عاقلانه نظیر: وطن‌پرستی و وفاداری، احترام به دیگران و خداجویی. (31)

بلوغ و ارتباط با هم‌سالان

(دوره بلوغ همواره دوره تنهایی بوده است. بدون توجه به تعداد دوستانی که نوجوان دارد، او همیشه در درون خود احساس خلأ می‌کند. ساختار شناخت نوظهور جوانان در سن بلوغ، آنان را به اندیشیدن به خود وامی‌دارد. (32) این احساس تنهایی که به مراحل رشد مربوط می‌شود، جوان را بر آن می‌دارد که با هم‌سالان خود ارتباط برقرار کند. بنابراین دوستی‌ها در این دوره براساس یک نیاز اجتماعی شکل می‌گیرد. معمولاً جوان تازه‌بالغ به دوستان خود وفادار است تا جایی که هیچ انتقادی را درباره دوستانش نمی‌پذیرد.

در غالب موارد، گروه‌های هم‌سالان و دوستان نوجوان به قدری در حیات او نقش دارند که والدین برای القای نظر خود از دوستان نوجوان استمداد می‌جویند. یکی از دلایل دوستی‌ها و رفاقت‌ها و پناه بردن به گروه هم‌سالان در این دوره، مشابَهت مشکلات آنان است. بنابراین بودن در کنار آنان و بیان راز دل به دوستان، سبب آرامش

روحي و تقليد كشمش هاي رواني مي شود.

(در يك تحقيق، يافته شد مدت زماني كه نوجوانان صرف صحبت كردن با هم سالان مي كنند از مدت زمان انجام تكاليف درسي، با خانواده و آشنايان بودن و يا تنها بودن بيشتر است.) 33

(هامچك) عملكرد گروه هم سال را به صورت زير بيان مي كند: 1. جانشين شدن براي خانواده; 2. منبع احترام شخص; 3. منبع ثبات و استواري در زماني كه دوره تحول و انتقال است; 4. سپري در مقابل فشار بزرگ سالان; 5. منبع قدرتي كه فرد طرز رفتار خود را از آها مي گيرد; 6. الگويي براي رشد اجتماعي، اخلاقي، عاطفي و ذهني. 34

بنابراين با توجه به نقش مهم و سازنده هم سالان، لازم است خانواده و مدرسه زمينه عضويت و حضور نوجوانان را در گروه ها و تشكول هاي دانش آموزي و محلي فراهم نمايند تا روابط اجتماعي را تجربه كنند.

بعضي از نوجوانان به دليل احساس خطاكاري و اشتباه و يا احساس بي ارزشي و ترس از برخورد با ديگران و نداشتن مهارت هاي اجتماعي، انزوا و گوشه گيري را بر معاشرت با دوستان ترجيح مي دهند، كه در اين صورت آموزش مهارت هاي ارتباطي و ترتيب دادن جلسات گروهي از سوي والدين مي تواند به نوجوان كمك كند تا در جمع حاضر شود و ابراز وجود كند. هرگونه سخت گيري و بي توجهي والدين در اين مورد به شخصيت اجتماعي نوجوان آسيب وارد مي كند و او را با بحران روبه رو مي سازد.

البته نبايد مسئوليت والدين را در بررسي دوستان نادیده گرفت. هرگونه اهمال و بي تفاوتی ممکن است زیان های جبران ناپذیری را به بار آورد. والدين بايد مراقب باشند كه فرزندان نوجوان آن ها با چه كساني طرح دوستي مي ريزند، چون دوستي نوجوان بر مبنای تبادل عاطفي و نياز روحي است. انگيزه هاي عاطفي باعث مي شود آن ها در انتخاب رفيق دقت لازم را مبذول ندارند و بدون تأمل، با ديگران رابطه برقرار كنند. واضح است اين دوستي هاي حساب نشده مي تواند ثمرات تلخي به بار آورد. امام علي(ع) مي فرمايد: (من اتخذ أحبا من غير اختيار الجاه الاضطرار الي مرافقة الاشرار؛ 35 کسی كه ناسنجیده با ديگران پيمان دوستي مي بندد، ناچار بايد به رفاقت اشرار تن دهد.)

بنابراين پدر و مادر بايد با دقت و حساسيت خاص، روابط فرزند خود را با دوستانش تحت كنترل و نظارت قرار دهند. (بررسي ها نشان مي دهد كه نوجوانان اولين قدم هاي انحراف و تباهي را به كمك دوستان ناب برداشته، سپس در سراشيبی سقوط قرار گرفته اند.) 36

البته اعمال نظارت بايد به گونه اي باشد كه به حساسيت منفي فرزندان نينجامد و آن ها را به لجاجت واندازد، زيرا در اين صورت نوجوان بيشتر به طرف دوستان ناهل سوق داده مي شود.

نوجوانان عزيز نيز بايد به اين واقعيّت توجه داشته باشند كه تجارب به دست آمده از دوران طفوليت و اطلاعات محدود و ناقص آن ها براي مواجهه با دنياي جديد جواني، كافي نيست. اميرالمؤمنين(ع) مي فرمايد: (جهل الشاب معذور وعلمه محقور؛ 37 عذر ناداني جوان پذيرفته و مقبول و علم او در جواني محدود است.)

جوان به اطلاعات جديد و معتبر و گسترده نياز دارد تا بتواند بر معضلات زندگي جديد خود فائق آيد. در اين راستا بايد بر احساس غرور و بزرگ منشي خود غلبه كند و از تجارب گران سنج بزرگ سالان بهره مند گردد. امام علي(ع) مي فرمايد: با مردان آزموده و صاحب تجارب، هم نشين باش كه اينان متاع پر ارج تجربه هاي خود را با گران ترين بها يعني فدا كردن عمر خود تهيه کرده اند و تو آن را با ارزان ترين قيمت يعني با صرف چند دقيق به دست مي آوري. 38

بلوغ و ناسازگاري با والدين

يكي از بحران هاي بلوغ، ناسازگاري نوجوانان با والدين است. آن چه مهم است فهم اين ناسازگاري و دلایل آن است. چرا فرزندان رفتار والدين خود را تأييد نمي كنند و والدين از مخالفت فرزندان خود گله و شكايه دارند؟ به نظر مي رسد آزادي خواهی و استقلال طلبی و نوگرایی كه از خصوصيات دوران بلوغ است، منشأ اين ناسازگاري باشد. (در دوران بلوغ، بيش از هر زمان ديگر انسان به اين كه مورد توجه و پذيرش باشد، اهميت مي دهد و به شدت احتياج دارد كه به عنوان يك دوست و شريك تلقی شود. چه قدر مكرر از جوانان شنیده مي شود كه كاش يك بار بزرگ ترها با ما جدی صحبت می کردند.) 39

پدر و مادر بايد متوجه باشند كه نوجوان امروز، كودك ديروز نيست. نوجوان، عاشق آزادي و اظهار وجود و شيفته استقلال و اثبات شخصيت است. يك نوجوان ایرانی در خاطراتش مي نويسد: (دوست ندارم به من دستور دهند، مخصوصاً اگر اين دستور آمرانه باشد. اگر دستور دهنده مادرم باشد، گوش نمي دهم. وقتي دستوردهنده برادر بزرگم باشد، ناچارم كه اجرا كنم وگرنه كشيده اي خواهم خورد. با اين وجود، وقتي برادرم به من دستور مي دهد سعی مي كنم فوراً آن را اجرا كنم و خود را به نشينيدن مي زرم. اين كار به من فرصت مي دهد تا خشم خود را فرو نشانم.) 40

بايد به اين نکته توجه داشت كه جوان با اظهارنظر كردن در مسائل، بزرگ منشي، حق دخالت در امور براي خود فائل بودن و تمرد از خواسته هاي بزرگ سالان و بي اعتنايي به سنت هاي كهن جامعه، درصد آزايش ديگران و سنجش ميزان مقاومت آن ها است. والدين نبايد با اين پديده با ديده ترديدآمیز بنگرند و احساس نگرانی نمايند. همان طوري كه والدين در ايام كودكي از راه رفتن مستقل آن ها استقبال مي كردند، بايد از استقلال خواهی جوانان خود نيز كه نشانه سلامت جسم و جان آنان است، دل شاد گردند. اسلام بر قبول اين واقعيّت تأكيد کرده و بر تشريك مساعي و مشورت در مسائل زندگي اصرار مي ورزد. رسول اکرم(ص) مي فرمايد: (الولد سيد سبع سنين وعبد سبع سنين ووزير سبع سنين؛ 41 فرزند در هفت سال اول، سيد و آقاي والدين است و در هفت سال دوم، بنده مطيع و فرمان بردار پدر و مادر است و در هفت سال سوم، وزير والدين است.

(رسول اکرم(ص) با به كار بردن كلمه وزير، از طرفی تشخص طلبی و استقلال جویی جوان را مورد توجه قرار داده و او را در كشور كوچك خانواده وزير مسئول شناخته است و از طرف ديگر به پدر و مادر فهانده است كه با جوان امروز همانند بچه ديروز رفتار نكنيد. بچه ديروز، بنده و مطيع شما بوده و جوان امروز، وزير و مشاور شما است.) 42

والدين مي توانند با ارتباط صحيح و منطقي با نوجوانان به آن ها كمك كنند تا اين دوره را بدون فشار و تنش سپري كنند. اگر والدين نقش خود را به خوبي ايفا نكنند، امكان انحراف و انحطاط و كشانده شدن نوجوان به دسته هاي بزه كار و منحرف زياد است. وقتي نوجوان هيچ گونه تكيه گاهي براي خود نداشته باشد و نتواند ارتباط صحيحي با ديگران برقرار كند، به الگوهاي نامطمئن و گروه هاي بزه كار پناه مي برد. قطع رابطه عاطفي بين والدين و نوجوانان در اين دوره، زمينه سرخوردگي و گريز آن ها را از محيط خانه و مدرسه فراهم مي كند. بنابراين سازگاري و ناسازگاري نوجوان تا حد زيادي بستگي به نوع رفتار و واكنش والدين دارد. روايت اميرالمؤمنين(ع) بر اين مطلب دلالت دارد؛ آن جا كه مي فرمايد: (وليك ربحانتك سبعا وخادمك سبعا ثم هو عدوك أ و صديقك؛ 43 فرزندت در هفت سال اول، برگ خوش بويي بر ساقه درخت وجود شما است و در هفت سال دوم، خدمت گزار مطيع و فرمان بردار شما است و در هفت سال سوم، ممكن است دشمن يا دوست تو باشد.)

(اگر پدر و مادر نوجوان بتواند ضمن ولي بودنشان همانند يك دوست مهربان و صميمي، دوستانه و مشاورانه با نوجوانشان رفتار كنند [و] در رفتارشان استمرار داشته

باشند و هرگز از حریم دوستی اعتماد متقابل و روابط سینه به سینه خارج نشوند، می توانند به عنوان يك دوست صمیمی نیاز فرزند جوانشان را تأمین کرده، هم چون سنگری استوار او را از گزند آسیب های روانی و اجتماعی حفظ نمایند. برای ایجاد و استمرار رابطه دوستانه و صمیمانه با نوجوانان به گونه ای که آن ها با کمال میل و انگیزه، مشتاق باشند، حرف های دلشان را با پدر و مادر خود مطرح کنند، باید سرمایه گذاری نمود. سرمایه اصلی چنین پیوند و ارتباط مقدسی، رفتار صادقانه و صمیمانه در طول دوران مختلف رشد کودک است. (44)

بلوغ و احساسات مذهبی

با فرا رسیدن بلوغ، در کنار شکوفایی تمایلات نفسانی، تمایلات روحانی نیز بیدار می گردد. (همه روان شناسان در این نکته متفق القول اند که ما بین بحران تکلیف و جهش ناگهانی احساسات مذهبی، ارتباطی وجود دارد. به گفته دبس، در این اوقات، نوعی بیداری مذهبی حتی نزد کسانی که سابقاً نسبت به مسائل مذهبی لاقید بودند، دیده می شود. (45)

بر این اساس در صدر اسلام، جوانان زودتر از بزرگ سالان به دین مقدس اسلام و پیامبر(ص) ابراز علاقه کرده و ایمان می آوردند. مصعب بن عمیر، نماینده مخصوص رسول اکرم(ص) برای تعلیم و آموزش قرآن به مدینه آمد. جوانان و نوجوانان دعوتش را می پذیرفتند. 46 شخصی به نام ابی جعفر احو، از دوستان امام صادق(ع)، برای تبلیغ مذهب تشیع به بصره رفت. امام صادق(ع) از او سوال کرد: مردم بصره را در قبول روش اهل بیت و سرعت پذیرش آیین تشیع چگونه یافتی؟ عرض کرد: افراد کمی تعالیم اهل بیت را پذیرفتند. حضرت فرمود: (علیک بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر)؛ 47 توجه خود را به نسل جوان معطوف دار که آنان در انجام امور خیر از دیگران پیش قدم ترند.)

حمایت جوانان از دین و شیفتگی آن ها به مسائل دینی، صریح و خالص و قاطع است تا جایی که جانیشان را برای اعتلای عقاید مذهبی فدا می کنند. تجربه انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و بسیج جوانان در سن بلوغ و دفاع جانانه آن ها از مکتب و شرف و میهن اسلامی، گواهی صادق بر این مدعا است. به نمونه ای از وفاداری و حمایت بی دریغ از ارزش ها و باورهای مذهبی اشاره می کنیم:

(سعد بن مالک از جوانان انقلابی صدر اسلام بود. او در 17 سالگی اسلام آورد. او می گوید: من نسبت به مادرم خیلی مهربان و نیکوکار بودم. موقعی که قبول اسلام کردم و مادرم آگاه شد، روزی به من گفت: این چه دینی است که پذیرفته ای؟ یا باید از آن دست برداری و به بت پرستی برگردی یا من آن قدر از خوردن و آشامیدن امساک می کنم تا بمیرم. سعد گفت: من از دینم دست نمی کشم و از شما درخواست می کنم که از خوردن و آشامیدن خودداری نکنی. مادر به گفته فرزند اعتنا نکرد. يك شبانه روز غذا نخورد، اما مهر الهی آن چنان در عمق جاننش نفوذ کرد که مهر مادری نتوانست در برابر آن مقاومت نماید. او با فاطمیت به مادرش گفت: به خدا قسم، اگر هزار جان در تن داشته باشی و يك يك آن ها از بدنت خارج شود، من از دینم دست برنمی دارم. وقتی مادر از تصمیم جدی فرزندش آگاه شد و از تغییر عقیده سعد مأیوس گردید، امساک خود را شکست و غذا خورد. (48)

ارزش ها در دوران بلوغ، در حال تحول و دگرگونی است. جوان در این مرحله تمایل دارد در مسائل اعتقادی خود تجدیدنظر کند، چون نمی داند آن چه را که به او در این باره گفته اند درست است. از این رو به تحقیق و بررسی می پردازد. البته نباید از این تردید و شک هراس داشت.

استاد مطهری(ره) شک را مقدمه یقین، و پرسش را مقدمه وصول، و اضطراب را مقدمه آرامش می داند و می گوید: (شک، معبر خوب و لازمی است، هرچند منزل و توقف گاه نامناسبی است. (49)

در این شرایط آن ها نیاز به رهبری فکری و عاطفی دارند. کودک به دلیل نارسایی عقل، از تجزیه و تحلیل مسائل عاجز است. از این رو بدون مطالبه دلیل، آموزه های دینی را از والدین می پذیرد، ولی این حالت انقیاد را نمی توان از نوجوان بالغ انتظار داشت. گلن بلر و استوارت جونز می گویند: (نوجوان در طی تحولات بلوغ به آن مرحله می رسد که با نیروی استدلال با عقاید مذهبی مواجه شود. (50)

والدین باید از این فرصت استفاده کرده و شعائر دینی را با منطق و استدلال به فرزندان جوان خود ارائه دهند و از اکراه و تحمیل تکالیف بیهیزند تا با عکس العمل منفی و حتی موضع گیری آن ها مواجه نشوند. (پس از دوران کودکی، صورت امر از قطعیت خود خارج می شود و بیشتر با دلیل و عقل سلیم سرو کار دارد. از این به بعد پدر باید بگوید: اگر من به جای تو بودم، فلان کار را می کردم و دلیل بیاورد. (51)

اگر با نوجوان با صداقت و احترام برخورد شود، به سهولت می توان در اعماق دل او نفوذ کرد. دبس می گوید: (ارزش های اخلاقی در دوران بلوغ در وجود سرمشق های انسانی تجلی می کند و صورت هایی به خود می گیرد که نوجوانان سعی می کنند به هیئت آنان درآیند. نوجوانان این اشخاص نمونه را آینه و آرمان و کمالی می دانند که خودشان خواهان آند. (52)

آن ها تمام مسائل را زیر ذره بین انتقاد خود قرار می دهند و در بنیان های اعتقادی و باورهای مذهبی خود هیچ گونه تسامح و تساهلی را برنمی تابند و اگر عمل الگوها با گفتارشان هم خوانی نداشته باشد، چه بسا اصل اعتقادات را زیر سؤال ببرند. اگر والدین نقش رهبری خود را به خوبی ایفا نکنند و عطش روحی جوانان به مذهب را به موقع سیراب نسازند، چه بسا آن ها به افکار انحرافی روی آورند. از این رو اسلام بر انتقال سریع آموزه های دینی تأکید می کند. امام صادق(ع) می فرماید: (بادروا احداثکم بالحديث قبل ان یسبقکم الیهم المرجه)؛ 53 احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام آن تسریع کنید، پیش از آن که مخالفان گم راه بر شما پیشی گیرند.)

این آموزش هرگز به صورت تحمیل نظر و سلیقه ای نباید باشد، بلکه باید به صورت مبادله عقاید و افکار و طرفینی باشد. (بر طبق بررسی یونسکو، اغلب جوانان احساس می کنند آلت دست قرار گرفته اند و برای همین جهت نسبت به بزرگ سالان بدبین هستند و يك حالت عصیان نسبت به سنت ها و آداب و رسوم خانوادگی و اجتماعی در آنان پدیدار گشته است. والدین می خواهند فرزندانشان مانند خود آن ها باشند، در صورتی که ممکن است جوانان نخواهند مانند آنان زندگی کنند. (54)

البته این به معنای تسلیم شدن در برابر نظرات نوجوان نیست، بلکه به معنای جلب اعتماد نوجوان و در نظر گرفتن شرایط روحی و هم آهنگی با تحول زمانی است. شاید روایت امیرالمؤمنین(ع) ناظر به این نکته روان شناختی باشد که می فرماید: (لاتفسروا اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم؛ 55 آداب و رسوم زمان خود را به فرزندانتان تحمیل نکنید، چه آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند.)

پاورقیها:

1- سید مجتبی هاشمی، تربیت و شخصیت انسانی، ج2، ص199.

2- همان، ص155.

- 3- محمدتقی فلسفی، جوان، ج1، ص89.
- 4- علی قائمی، دنیای نوجوانی دختران، ص232.
- 5- فرهنگ عمید، ج1، ص372.
- 6- نساء(4) آیه 6.
- 7- علی قائمی، همان، ص219.
- 8- محمود محمدیان، بلوغ تولدی دیگر، ص24.
- 9- محمدتقی فلسفی، بزرگسال و جوان، ج2، ص132.
- 10- همان، ص135.
- 11- محمود محمدیان، همان، ص47.
- 12- همان، ص49.
- 13- احمد صبور اردوبادی، بلوغ، ص149.150.
- 14- سید احمد احمدی، روان شناسی نوجوانان و جوانان، ص21.
- 15- محمدتقی فلسفی، جوان، ج1، ص97.
- 16- محمد پارسا، روان شناسی رشد کودک و نوجوان، ص219.
- 17- توضیح المسائل، مسئله 2252.
- 18- محمدتقی فلسفی، همان، ص99.
- 19- سید احمد احمدی، همان، ص18.19.
- 20- محمدتقی فلسفی، همان، ص107.
- 21- دبس، مراحل تربیت، ص162.
- 22- سید احمد احمدی، همان، ص22.
- 23- همان، ص163.
- 24- کنز العمال، ج15، ص776.
- 25- همان، ص775.
- 26- سید احمد احمدی، همان، ص28.
- 27- همان، ص29.
- 28- جان براد شاد، من - کودک - من، ترجمه دکتر داود محب علی، ص294.
- 29- محمدعلی سادات، راهنمای پدران و مادران، ج1، ص30.
- 30- سید احمد احمدی، همان، ص20.
- 31- علی اصغر حقانی، روان شناسی رشد و نوجوانان، ص62.
- 32- جان براد شاد، همان، ص291.
- 33- اسماعیل بیابانگرد، روش های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، ص63.
- 34- همان، ص64.
- 35- غررالکلم و دررالکلم، ج5، ص398.
- 36- محمدعلی سادات، همان، ص99.
- 37- غررالکلم و دررالکلم، ج3، ص367.
- 38- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج20، ص846.
- 39- محمدتقی فلسفی، بزرگسال و جوان، ج1، ص42.
- 40- سید احمد احمدی، همان، ص33.
- 41- بحارالانوار، ج101، ص95.
- 42- محمدتقی فلسفی، همان، ص42.
- 43- ابن ابی الحدید، همان، ج20، ص343.
- 44- غلامعلی افروز، روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، ص60.
- 45- سید احمد احمدی، همان، ص60.
- 46- محمدتقی فلسفی، جوان، ج1، ص345.
- 47- بحارالانوار، ج23، ص236.
- 48- محمدتقی فلسفی، همان، ج2، ص136.
- 49- عدل الهی، ص7.
- 50- سید مجتبی هاشمی، همان، ص162.
- 51- محمدتقی فلسفی، همان، ج1، ص456.
- 52- سید احمد احمدی، همان، ص61.
- 53- محمدتقی فلسفی، همان، ص352.

54. سيد احمد احمدی، همان، ص 57.

55. ابن ابی الحديد، همان، ج 20، قصار 102.

منبع: نشریه با معارف اسلامی آشنا شویم ، شماره 52